

درباره ازدواج

¹ اما درباره آنچه به من نوشته بودید، مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکند.² لکن به سبب زنا، هر مرد زوجه خود را بدارد و هر زن شوهر خود را بدارد.³ و شوهر حق زن را ادا نماید و همچنین زن حق شوهر را.⁴ زن بر بدن خود مختار نیست بلکه شوهرش، و همچنین مرد نیز اختیار بدن خود ندارد بلکه زنش،⁵ از یکدیگر جدایی مگزینید مگر مدتی به رضای طرفین تا برای روزه و عبادت فارغ باشید؛ و باز با هم پیوندید مبادا شیطان شما را به سبب نا پرهیزی شما در تجربه اندازد.⁶ لکن این را می گویم به طریق اجازه نه به طریق حکم، اما می خواهم که همه مردم مثل خودم باشند. لکن هرکس نعمتی خاص از خدا دارد، یکی چنین و دیگری چنان.⁸ لکن به مجرّدين و بیوه زنان می گویم که ایشان را نیکو است که مثل من بمانند.⁹ لکن اگر پرهیز ندارند، نکاح بکنند زیرا که نکاح از آتش هوس بهتر است.

طلاق

¹⁰ اما منکوحان را حکم می کنم و نه من بلکه خداوند؛ که زن از شوهر خود جدا نشود؛¹¹ و اگر جدا شود، مجرّد بماند یا با شوهر خود صلح کند؛ و مرد نیز زن خود را جدا نسازد.¹² و دیگران را من می گویم نه خداوند؛ که اگر کسی از برادران زنی بی ایمان داشته باشد و آن زن راضی باشد که با وی بماند، او را جدا نسازد.¹³ و زنی که شوهر بی ایمان داشته باشد و او راضی باشد که با وی بماند، از شوهر خود جدا نشود.¹⁴ زیرا که شوهر بی ایمان از زن خود مقدّس می شود و زن بی ایمان از برادر مقدّس می گردد و اگر نه اولاد شما ناپاک می بودند، لکن الحال مقدّسند.¹⁵ اما اگر بی ایمان جدایی ننماید، بگذارش که بشود زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست و خدا ما را به سلامتی خوانده است.¹⁶ زیرا که تو چه دانی، ای زن، که شوهرت را نجات خواهی داد؟ یا چه دانی، ای مرد، که زن خود را نجات خواهی داد؟

دعوت خدا

¹⁷ مگر اینکه به هرطور که خداوند به هرکس قسمت فرموده و به همان حالت که خدا هرکس را خوانده باشد، بدینطور رفتار بکند؛ و همچنین در همه کلیساهای

الزواج والحياة الزوجية

¹ وأما من جهة الأمور التي كتبتم لي عنها، فحسّن للرجل أن لا يمسّ امرأة،² ولكن لسبب الزنا ليكن لكل واحد امرأته وليكن لكل واحد زوجة رجليها.³ ليوف الرجل المرأة حقها الواجب وكذلك المرأة أيضاً الرجل. ليس للمرأة تسلط على جسدها بل للرجل، وكذلك الرجل أيضاً، ليس له تسلط على جسده بل للمرأة.⁵ لا تسلب أحدكم الآخر إلا أن يكون على موافقة إلى حين، لكي تتفرغوا للصوم والصلاة ثم تجتمعوا أيضاً معاً لكي لا يجربكم الشيطان لسبب عدم تراهيتكم.⁶ ولكن أقول هذا على سبيل الإذن لا على سبيل الأمر.⁷ لأني أريد أن يكون جميع الناس كما أنا، لكن كل واحد له موهبته الخاصة من الله، الواحد هكذا والآخر هكذا.⁸ ولكن أقول لغير المتزوجين وللأرامل: إنّه حسن لهم إذا لبثوا كما أنا. ولكن إن لم يضبطوا أنفسهم فليترؤّجوا، لأن التروّج أصلح من التحرق.

الطلاق

¹⁰ وأما المتزوجون فأوصيهم، لا أنا بل الرب: أن لا تفارق المرأة زوجها، وإن فارقته فليلبث غير متزوجة أو ليصالح زوجها، ولا يترك الرجل امرأته.¹² وأما الباقون فأقول لهم أنا، لا الرب: إن كان أخ له امرأة غير مؤمنة، وهي ترغب أن تسكن معه، فلا يتركها،¹³ والمرأة التي لها رجل غير مؤمن، وهو يرغب أن يسكن معها، فلا تتركه.¹⁴ لأن الرجل غير المؤمن مقدّس في المرأة والمرأة غير المؤمنة مقدّسة في الرجل،¹⁵ ولكن إن فارق غير المؤمن، فليفارق، ليس الأخ أو الأخت مستعبد في مثل هذه الأحوال، ولكن الله قد دعا في السلام.¹⁶ لأنه كيف تعلّم، أيها الرجل، المرأة، هل تخلص الرجل؟ أو كيف تعلّم، أيها الرجل، هل تخلص المرأة؟

الحفاظ على دعوة الله

¹⁷ غير أنّه كما قسم الله لكل واحد، كما دعا الرب كل واحد، هكذا ليسلك. وهكذا أنا أمر في جميع الكنائس. ¹⁸ دعي أحد وهو مخنون، فلا يصير أغلف، دعي أحد في العزلة، فلا يختن. ¹⁹ ليس الجتان شيئاً وليس العزلة شيئاً بل حفظ وصايا الله. ²⁰ الدعوة التي دعي فيها كل واحد فليلبث فيها. ²¹ دعي وأنت عبد فلا يهّمك،

امر می‌کنم.¹⁸ اگر کسی در مختونی خوانده شود، نامختون نگردد و اگر کسی در نامختونی خوانده شود، مختون نشود.¹⁹ ختنه چیزی نیست و نامختونی هیچ، بلکه نگاه داشتن امرهای خدا.²⁰ هرکس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در همان بماند.²¹ اگر در غلامی خوانده شدی تو را باکی نباشد، بلکه اگر هم می‌توانی آزاد شوی، آن را اولیتر استعمال کن.²² زیرا غلامی که در خداوند خوانده شده باشد، آزاد خداوند است؛ و همچنین شخصی آزاد که خوانده شد، غلام مسیح است.²³ به قیمتی خریده شدیدی، غلام انسان نشوید.²⁴ ای برادران، هرکس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در آن نزد خدا بماند.

درباره افراد مجرد و بیوه زنها

²⁵ اما دربارهٔ باکره‌ها حکمی از خداوند ندارم. لکن چون از خداوند رحمت یافتم که امین باشم، رأی می‌دهم.²⁶ پس گمان می‌کنم که بجهت تنگی این زمان، انسان را نیکو آن است که همچنان بماند.²⁷ اگر با زن بسته شدی، جدایی مجوی و اگر از زن جدا هستی دیگر زن مخواه.²⁸ لکن هرگاه نکاح کردی، گناه نورزیدی و هرگاه باکره منکوحه گردید، گناه نکرد. ولی چنین در جسم زحمت خواهند کشید، لیکن من بر شما شفقت دارم.²⁹ اما، ای برادران، این را می‌گویم وقت تنگ است تا بعد از این آنانی که زن دارند مثل بیزن باشند³⁰ و گریبانان چون ناگریبانان و خوشحالان مثل ناخوشحالان و خریداران چون غیرمالکان باشند،³¹ و استعمال کنندگان این جهان مثل استعمال کنندگان نباشند، زیرا که صورت این جهان درگذر است.³² اما خواهش این دارم که شما بیاندیشد باشید. شخص مجرد در امور خداوند می‌اندیشد که چگونه رضامندی خداوند را بجوید؛³³ و صاحب زن در امور دنیا می‌اندیشد که چگونه زن خود را خوش بسازد.³⁴ در میان زن منکوحه و باکره نیز تفاوتی است، زیرا باکره در امور خداوند می‌اندیشد تا هم در تن و هم در روح مقدس باشد؛ اما منکوحه در امور دنیا می‌اندیشد تا شوهر خود را خوش سازد.

³⁵ اما این را برای نفع شما می‌گویم نه آنکه دامی بر شما بنهم بلکه نظر به شایستگی و ملازمت خداوند، بی تشویش.³⁶ لکن هرگاه کسی گمان برد که با باکره

بَلْ وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَصِيرَ حُرّاً فَاسْتَعْمِلْهَا بِالْحَرِيِّ.²² لَأَنَّ مَنْ دُعِيَ فِي الرَّبِّ وَهُوَ عَبْدٌ فَهُوَ عَتِيقُ الرَّبِّ، كَذَلِكَ أَيْضاً الْخُرُّ الْمَدْعُوُّ هُوَ عَبْدٌ لِلْمَسِيحِ.²³ قَدْ اسْتُرِئْتُمْ بِتَمَنٍ فَلَا تَصْبِرُوا عِبِيداً لِلنَّاسِ.²⁴ مَا دُعِيَ كُلُّ وَاحِدٍ فِيهِ، أَتُهَا الْإِخْوَةُ، قَلْبَتِ فِي ذَلِكَ مَعَ اللَّهِ.

الزواج أم حياة البتل

²⁵ وَأَمَّا الْعِدَارَى فَلَيْسَ عِنْدِي أَمْرٌ مِنَ الرَّبِّ فِيهِنَّ وَلَكِنِّي أُعْطِي رَأياً كَمَنْ رَحِمَهُ الرَّبُّ أَنْ يَكُونَ أَمِيناً.²⁶ قَاطِئٌ أَنَّ هَذَا حَسَنٌ لِسَبَبِ الصَّبِيحِ الْخَاضِرِ، أَنَّهُ حَسَنٌ لِلْإِنْسَانِ أَنْ يَكُونَ هَكَذَا.²⁷ أَنْتَ مُزْنِطٌ بِأَمْرَاءٍ، فَلَا تَطْلُبُ الْإِنْفِصَالَ، أَنْتَ مُنْقَصِلٌ عَنِ امْرَأَةٍ، فَلَا تَطْلُبُ امْرَأَةً. لَكِنَّكَ وَإِنْ تَزَوَّجْتَ لَمْ تُخْطِئْ وَإِنْ تَزَوَّجْتَ الْعِدْرَاءُ لَمْ تُخْطِئْ، وَلَكِنْ مِثْلَ هَؤُلَاءِ يَكُونُ لَهُمْ صَبِيحٌ فِي الْجَسَدِ، وَأَمَّا أَنَا فَلَا أُسْفِقُ عَلَيْكُمْ.²⁹ قَافُولٌ هَذَا، أَتُهَا الْإِخْوَةُ: الْوَقْتُ مُنْذُ الْآنَ مُقْصَرٌ لِكَيْ يَكُونَ الَّذِينَ لَهُمْ نِسَاءٌ كَأَنْ لَيْسَ لَهُمْ،³⁰ وَالَّذِينَ يَتَكُونُونَ كَأَنَّهُمْ لَا يَتَكُونُونَ، وَالَّذِينَ يَفْرَحُونَ كَأَنَّهُمْ لَا يَفْرَحُونَ، وَالَّذِينَ يَسْتُرُونَ كَأَنَّهُمْ لَا يَمْلِكُونَ،³¹ وَالَّذِينَ يَسْتَعْمِلُونَ هَذَا الْعَالَمَ كَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَعْمِلُونَهُ، لَأَنَّ هَيْئَةَ هَذَا الْعَالَمِ تَزُولُ. فَارِيدُ أَنْ تَكُونُوا بِلَا هَمٍّ، غَيْرَ الْمُتَزَوِّجِ يَهْتَمُّ فِي مَا لِلرَّبِّ كَيْفَ يُرْضِي الرَّبَّ،³³ وَأَمَّا الْمُتَزَوِّجُ فَيهْتَمُّ فِي مَا لِلْعَالَمِ كَيْفَ يُرْضِي امْرَأَتَهُ.³⁴ إِنْ بَيْنَ الزَّوْجَةِ وَالْعِدْرَاءِ فَرْقاً، غَيْرَ الْمُتَزَوِّجَةِ تَهْتَمُّ فِي مَا لِلرَّبِّ لِتَكُونَ مُقَدَّسَةً جَسَداً وَرُوحاً، وَأَمَّا الْمُتَزَوِّجَةُ فَتهْتَمُّ فِي مَا لِلْعَالَمِ كَيْفَ تُرْضِي رَجُلَهَا.

³⁵ هَذَا أَقُولُهُ لِحَبْرِكُمْ، لَيْسَ لِكَيْ أُلْفِي عَلَيْكُمْ وَهَقاً بَلْ لِأَجْلِ الْبِتَاقَةِ وَالْمَتَابَرَةِ لِلرَّبِّ مِنْ دُونِ ارْتِبَاكِ.³⁶ وَلَكِنْ إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَطُنُّ أَنَّهُ يَعْمَلُ بِدُونِ لِبَاقَةٍ بَحْوَ عَدْرَائِهِ إِذَا تَجَاوَزَ الْوَقْتُ، وَهَكَذَا لَزِمَ أَنْ يَصِيرَ، فَلْيَفْعَلْ مَا يُرِيدُ، إِنَّهُ لَا يَخْطِئُ، فَلْيَتَزَوَّجَا.³⁷ وَأَمَّا مَنْ أَقَامَ رَاسِخاً فِي قَلْبِهِ وَلَيْسَ لَهُ اضْطِرَارٌّ بَلْ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى إِرَادَتِهِ وَقَدْ عَزَمَ عَلَى هَذَا فِي قَلْبِهِ أَنْ يَخْطَأَ عِدْرَاءَهُ، فَحَسَناً يَفْعَلُ.³⁸ إِذَا مَنْ زَوْجٌ، فَحَسَناً يَفْعَلُ، وَمَنْ لَا يُزَوِّجُ، يَفْعَلُ أَحْسَنَ.³⁹ الْمَرْأَةُ مُزْنِطَةٌ بِالْثَامُوسِ مَا دَامَ رَجُلُهَا حَيّاً، وَلَكِنْ إِنْ مَاتَ رَجُلُهَا فَهِيَ حُرَّةٌ لِكَيْ تَزَوِّجَ بِمَنْ تُرِيدُ، فِي الرَّبِّ فَقَطْ.⁴⁰ وَلَكِنَّهَا أَكْثَرُ غِيْطَةً إِنْ لَيْسَتْ هَكَذَا، بِحَسَبِ رَأْيِي، وَأَطُنُّ أَنِّي أَنَا أَيْضاً عِنْدِي رُوحُ اللَّهِ.

خود ناشایستگی می‌کند، اگر به حدّ بلوغ رسید و ناچار است از چنین شدن، آنچه خواهد بکند؛ گناهی نیست؛ بگذار که نکاح کنند.³⁷ اما کسی که در دل خود پایدار است و احتیاج ندارد بلکه در اراده خود مختار است و در دل خود جازم است که باکره خود را نگاه دارد، نیکو می‌کند.³⁸ پس هم کسی که به نکاح دهد، نیکو می‌کند و کسی که به نکاح ندهد، نیکوتر می‌نماید.

بیوه‌ها

³⁹ زن مادامی که شوهرش زنده است، بسته است. اما هرگاه شوهرش مرد آزاد گردید تا به هرکه بخواهد منکوحه شود، لیکن در خداوند فقط.⁴⁰ اما بحسب رأی من خوشحالت‌تر است، اگر چنین بماند و من نیز گمان می‌برم که روح خدا را دارم.